

ادامه از صفحه قبل

مسئله حضرت هرگز مال دنیا نبود؛ عواید فدک خرج فقرای مدینه می‌شد. هدف، دفاع از حق و ابطال انحراف بود. همچنین در پاسخ به این شبهه که چرا امیرالمؤمنین علیه السلام برای احقاق حق خود شمشیر نکشید، فرمودند: «مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكُغْبَةِ إِذْ تُؤْتَى وَلَا تَأْتِي»^۱ (امام مانند کعبه است؛ باید به سویش بیایند، نه آنکه او در پی مردم روان شود).

نمونه دیگر جهاد دفاعی و درمانی، پاسخگویی بی‌دریغ به مراجعات مردم است؛ در روایتی آمده زنی خدمت ایشان آمد و از احکام نماز مادرش پرسید. زن تا ده نوبت پرسش کرد و حضرت پاسخ دادند. زن خجلت‌زده شد و گفت: شما را به مشقت انداختم. حضرت در پاسخی تربیتی فرمودند:

اگر شخصی را اجبر کنند تا باری را به پشت‌بام ببرد و صد هزار دینار پاداش بگیرد، آیا احساس سنگینی می‌کند؟ من در ازای هر پاسخی که به تو می‌دهم، بیش از پرتو میان زمین و عرش پاداش دریافت می‌کنم؛ از پدرم شنیدم که علمای شیعه محشور می‌شوند و به‌اندازه تلاش‌شان در هدایت بندگان، بر آنان خلعت‌های نوری پوشانده می‌شود.^۲

۲. جهاد تبیین‌نهادمی (هجومی)

رهبر شهید انقلاب علیه السلام در ۱۹ بهمن ۱۴۰۰ فرمودند: نباید صرفاً در جایگاه منفعل منتظر شبهه‌افکنی دشمن بنشینیم؛ بلکه باید به مبانی فکری و دروغ‌های دشمن بتازیم؛ چنان‌که فرموده‌اند: «بهترین دفاع، حمله است.» مصداقِ امروزین آن، افشای پرونده‌های دشمن، رسواسازی عناصر مزدور و کشاندن جریان رسانه‌ای باطل به موضع دفاعی است.

در سیره حضرت زهرا علیه السلام اساس دستگاه خلافت بر این ادعا چیده شده بود که ما جانشینان پیامبریم. اگر مخالفت صریح و تهاجمی حضرت نبود، این ادعا بدون خدشه تثبیت می‌شد. حضرت مستقیماً مشروعیت آنان را هدف گرفتند: تا پایان عمر با آنان بیعت نکردند، از بیعت امیرالمؤمنین علیه السلام جلوگیری کردند و با وصیت به تدفین شبانه و پنهان‌ماندن مزار مطهر، بحران مشروعیتی ابدی برای جریان غاصب رقم زدند؛ به‌گونه‌ای که حتی تصمیم به نیش قبور بقیع گرفتند تا بر پیکر ایشان نماز بخوانند و این خلأ مشروعیت را جبران کنند. در بستر بیماری نیز هنگام عیادت خلفا، روی برگردانده‌د و فرمودند: از شما ناراضی هستم و در نماز شما را نفرین می‌کنم. ایشان تقیه نکردند؛ همان‌گونه که حضرت امام علیه السلام در سال‌های ۲۳–۴۲ فرمودند: «امروز تقیه حرام است ولو بلغ ما بلغ.»

۳. جهاد تبیین پیشگیرانه (تعمیقی و مصونیت‌ساز)

رهبر انقلاب در ۱۹ اسفند ۱۴۰۰ فرمودند: مؤثرترین ابزار تبیین، «تعمیق معارف» است؛ یعنی اگر جوان را با معارف اسلام و انقلاب مقاوم‌سازی کردید، با هر شبهه‌ای فرو نمی‌ریزد. در سیره حضرت زهرا علیه السلام، خطبه فدکیه با ژرف‌ترین مباحث توحیدی، فلسفه آفرینش، غایت نبوت و اسرار احکام آغاز می‌شود؛ از حکمت نماز و زکات تا وجوب اطاعت از اهل‌بیت علیهم السلام برای برقراری نظم اجتماعی.

در روایتی ارجمند از امام صادق علیه السلام آمده است: «إِنَّ بَنِي أُمَيَّةَ أَطْلَقُوا لِلنَّاسِ تَعْلِيمَ الْإِيمَانِ وَلَمْ يُطْلَقُوا تَعْلِيمَ الْبُشْرِكِ لِكُنِّي إِذَا حَمَلُوهُمْ عَلَيْهِ لَمْ يَعْرِفُوهُ» (بنی‌امیه آموزش ایمان را برای مردم آزاد گذاردند؛ اما اجازه ندادند، شرک آموزش داده شود؛ تااگر مردم را به سوی شرک سوق دادند، آن را نشاناسند و درک نکنند).

بنی‌امیه اجازه می‌دادند مردم نماز و احکام پیاموند؛ اما اجازه نمی‌دادند حقیقت شرک شناخته شود؛ چراکه اگر مردم شرک طاعت و فرمان‌برداری از طاغوت در برابر حکم خدا را می‌فهمیدند، حاکمیت غاصبان فرو می‌ریخت. حضرت صدیقه طاهره علیه السلام توحید را از صورت یک بحث انتزاعی خارج ساختند و نشان دادند که تسلیم طاغوت‌شدن، عین شرک در توحید عملی است.

پیامدهای انحراف از تبیین فاطمی

- پیامدهای انحراف از این تبیین فاطمی در جامعه پس از رحلت پیامبر چه بود؟**

- با کناررفتن این هدایت الهی، جامعه دچار ارتجاع عمیقی شد؛ تا جایی که امیرالمؤمنین علیه السلام در آغاز خلافت ظاهری خود در خطبه ۱۶ نهج‌البلاغه فرمودند:

«لَا وَابِلَ لِبَنِيكُم قَدْ عَادَتْ كَهَيْئَتِهَا يَوْمَ بَكَتَ اللَّهُ نَبِيَّهٗ»؛ (آگاه باشید که فتنه و ابتلای شما عیناً به‌همان حالت روزی بازگشته است که خداوند پیامبرش را برانگیخت).

رهبر انقلاب در اثر ارزشمند «دو امام مجاهد» اشاره فرموده‌اند که انقلاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر سه محور بنیادین استوار بود:

- حاکمیت توحید و نفی طاغوت (شکستن بت‌های انسانی)**: توحید صرفاً اعتقادی نظری نبود؛ نفی بندگی حاکمان خودکامه‌ای بود که اراده خود را بر حکم خدا مقدم می‌داشتند.
- برقراری مساوات، عدالت و نفی نظام طبقاتی**: فاصله‌های اشرافی ملعی شد و همگان در برابر بیت‌المال یکسان بودند.
- تکریم انسان و نفی تفاخر قومی و نژادی**: اصالت قبیله و عصبیت‌های قومی از میان رفت و ملاک، تقوا قرار گرفت.

اما در طول ۲۵ سال، این ارکان دچار قهقرا شد: بت‌پرستی انسانی و اطاعت بی‌چون‌وچرا از حاکم جائر بازگشت؛ نظام طبقاتی با تغییر سیستم تقسیم بیت‌المال احیا شد و تفاخر عرب بر عجم دوباره ریشه دواند. ایشان در فرازی از کتاب «دو امام مجاهد» می‌فرمایند:

«مردم فراموش کرده بودند که اسلام یعنی تسلیم بی‌قیدوشرط در مقابل خدا؛ فراموش کرده بودند که اسلام یعنی وحدت طبقات با یکدیگر و عدالت در تمام حقوق… [در مقابل]، یادشان مانده بود که اسلام نماز دارد. می‌دیدند نماز هست. می‌گفتند پس اسلام هست! یادشان بود که پیغمبر مردم را به حج می‌برد، می‌دیدند حج هم هست، دلشان خوش بود که اسلام هست! و این ابتدائی است که در طول تاریخ مسلمان‌ها غالباً با آن مواجه بودند؛ دل خوش کرده بودند به شعارهای ظاهری و بی‌محتوا…»



لشگرد اصلی دشمن در جنگ شناختی، تحمیل «مارپیچ سکوت» است؛ به این معنا که با ترور شخصیتی و همه‌های سنگین رسانه‌ای، خنگیان و خواص جامعه را به ورطه محافظه‌کاری و سکوت بکشاند. چقدر دردآور است وقتی در حساس‌ترین پیچ‌های تاریخ اسلام و در اوج همه دشمن به جبهه مقاومت، برخی از اهل علم و مدعیان دین‌داری، سکوت پیشه می‌کنند و درس و بحث روزمره خود را فارغ از این مصائب پیش می‌برند! حضرت زهرا علیه السلام دقیقاً در چنین فضایی یک‌تنه به میدان آمدند و مارپیچ خفقان و سکوت مدینه را شکستند؛ بنابراین، امروز نیز نباید گذاشت میدان جهاد تبیین، به‌بهانه عافیت‌طلبی یا ترس از سرزنش ملامت‌گران، خالی بماند.

پیشه می‌کنند و درس و بحث روزمره خود را فارغ از این مصائب پیش می‌برند! حضرت زهرا علیه السلام دقیقاً در چنین فضایی یک‌تنه به میدان آمدند و مارپیچ خفقان و سکوت مدینه را شکستند؛ بنابراین، امروز نیز نباید گذاشت میدان جهاد تبیین، به‌بهانه عافیت‌طلبی یا ترس از سرزنش ملامت‌گران، خالی بماند.
۳. ولایت‌مداری مطلق

صدیقه کبری تمام آبرو، اعتبار، نفوذ و سرانجام جان شریف خویش را برای تثبیت ولایت الهی فدا کردند. سکوت چندماهه امیرالمؤمنین علیه السلام و پایداری ایشان در عدم امضای مشروعیت خلافت غاصبانه که سندی جاودانه در تاریخ شد، در پناه جهاد بی‌وقفه حضرت زهرا علیه السلام رقم خورد.

۴. عقلانیت و صبر انقلابی
صبر انقلابی گاه اجرش از خشم انقلابی کمتر نیست. آنجا که حضرت زهرا علیه السلام -طبق نقل- با کله‌مندی به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «اشْتَمَلْتُ شَمْلَةَ الرَّجُلَيْنِ…»^۱

«ای پسر ابوطالب! آیا چون جنین در رحم کز کرده‌ای و چون متهمان در کنج خانه نشسته‌ای؟! امیرالمؤمنین علیه السلام با طمأنینه و آرامشی پیامبرگونه، همسر داغدار خویش را دل‌داری داد و با تبیین فلسفه سکوت تاریخی‌اش، پرده از رازی بزرگ برداشت و فرمود: «لَا وَبِلَ عَلَیْکَ، بَلِ الْوَلِیُّ لِشَایِئِکَ! تَهْنِیْهِ عَنْ وَجْدِکَ یَا اِثْنَةَ الصُّفَّةِ وَبَقِیَّةِ الثُّنُوءِ؛ فَمَا وَتِیْتُ عَنْ دِیْنِی وَلَا اَخْطَاْتُ مَقْدُورِی؛ فَإِنْ کُنْتُ تُرْیْدِیْنِ الْبُلْغَةَ فَرُفْکِ مَضْمُونٌ وَکَفِیْکَ مَأْمُونٌ وَمَا أَعَدَّ لَکَ أَفْضَلَ مِمَّا قُطِعَ عَنْکَ؛ فَاحْتَسِبِی اللهَ»؛ (وای و اندوه بر تو مباد؛ بلکه وای و نابودی بر بدخواه و دشمن تو باد! خشم و اندوه‌ت را فرونشان، ای دختر برگزیده خدا و یادگار نبوت! سوگند به خدا که من هرگز در دینم سستی نورزیده‌ام و از توان و مأموریت مقدم فراتر نرفته‌ام و اگر مقصود تو روزی و معاش است، بدان که روزی‌ات نزد خدا تضمین‌شده و پشتیبانت آمین است و پاداشی که خدا در آخرت برایت مهیا ساخته، بسیار برتر از آن چیزی است که از تو دریغ کرده‌اند؛ پس صبر پیشه کن و این امر را به حساب خدا بگذار.)

چون حضرت فاطمه علیه السلام این حقیقت الهی و مأموریت حفظ دین را از زبان وصی رسول‌خدا صلی الله علیه و آله شنید، تسلیم فضای الهی شد و فرمود: «حَسْبِیَ الله»؛ (خدا مرا بسنده است) و لب از سخن فروبست.

امروز نیز در کوران سختی‌های اقتصادی و فشارهای تورمی، فعالان فرهنگی و طلاب با بصیرت، نباید با غفلت از کلان‌مسائل، هم‌ما با بوق‌های تبلیغاتی معاندان، پارز دشمن را تکمیل کنند؛ بلکه انتقاد باید سازنده، منصفانه و توأم با حفظ وحدت ملی باشد. رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای (حفظه‌الله) در پیام راهبردی خویش به‌مناسبت حماسه عظیم بدرقه «آقای شهید ایران» و تبیین مسائل مهم کشور (۲۶ تیر ۱۴۰۵) فرمودند:

«لازم است به شما مردم باوفا و سرافراز ایران عرض شود که از جمله اصولی‌ترین امور در این برهه، اصرار بر وحدت کلمه و اتحاد مقدس در همه سطوح مردم و مسئولان و در تمام عرصه‌ها برای تحقق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و تأمین عزت و استقلال ایران عزیز خصوصاً در برابر دشمن جنایت‌کار و حيله‌گر آمریکایی است. همان‌گونه که پیش از این، مکرراً و مؤکداً تذکر داده شد، صیانت از وحدت و پرهیز از تفرقه، تنازع، اختلافات سیاسی و برجسته‌کردن تفاوت‌های اجتماعی، وظیفه همگانی است و البته نقش مسئولان و عناصر دلسوز و دلباخته انقلاب، امام و رهبر شهید در انسجام و یکپارچگی کشور، مهم‌تر و حسّاس‌تر است.

بر این اساس، ملّت عزیز با تداوم اعتماد به مسئولان ذی‌مسئولیت هر سه قوه - که تلاش ایشان برای رفاه و سعادت ملّت کشور می‌باشد- همچنان برای تضمین صیانت از منافع ایران اسلامی، هوشیار و فعال در میدان خواهد بود. ممکن است کسانی با اخلاص تمام و از سر خیرخواهی، انتقاداتی نسبت به عملکرد بعضی از مسئولین داشته باشند. به نظر بنده، در عین اینکه این اهتمام و نگرانی ایشان برای نظام همچون اشخاص خودشان، سرمایه‌ای ارزشمند به‌شمار می‌آید و فی‌نفسه امری مطلوب قلمداد می‌شود، این عزیزان -که بعضی از ایشان از زمره پیپیشروان بصیرت هستند - باید مراقب باشند تا این رویکرد، اولاً ظلمی را بر بی‌گناهی روا ندارد که آن خود منشأ محرومیت از برکات و عنایات می‌گردد و ثانیاً موجب شکست در وحدت و انسجام اجتماعی نگردد که با حفظ این جهات، انتقادها موجب رونق و شکوفایی امور خواهد شد. دشمن نباید هیچ علامت ضعفی و از جمله این ضعف را از ما دریافت کند که هرگاه ما این مراقبت‌ها را به‌طور کامل مراعات نماییم، او به‌ناچار رو به هزیمت خواهد گذاشت.»

این همان سیره علوی است؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام بیش از هفتادبار خلیفه دوم را از مهلکه نجات داد و در جنگ با ساسانیان به او فرمود: خود به جبهه نرو، چون تو محور و رشته تسبیحی؛^۲ یا امام صادق علیه السلام در دوران گرانی گندم در مدینه، دستور دادند، ذخیره گندم منزلشان را به بازار آورند تا به‌قیمت روز بفروشند و نگذاشت از بحران اقتصادی علیه هیئت حاکمه و اصل جامعه اسلامی سوءاستفاده شود؛^۳ یا دعای پرشور امام سجاد علیه السلام برای مرزداران (دعای ۲۷)، آن‌هم زیر سایه حکومت بنی‌امیه.

پیوند تاریخی جهاد فاطمی با عصر غیبت

ه نتیجه تاریخی این جهاد تبیین در بلندمدت چه بود

و چگونه به عصر غیبت متصل شد؟

- اگرچه جامعه پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله دچار ریزشی بزرگ شد: «ارَبَدَ النَّاسُ بَعْدَ النَّبِیِّ إِلَّا ثَلَاثَةً…»^۱ اما تبیین فاطمی اجازه نداد، شعله ولایت خاموش گردد.

اگر آن ایستادگی نبود، تشیع در نطفه نابود می‌شد. این حرکت نسل‌به‌نسل ادامه یافت تا در عصر امام هادی و امام عسکری علیه السلام و ورود به غیبت صغری، شیعه به اوج قدرت تشکیلاتی رسید.

رهبر انقلاب در کتاب «همرزمان حسین علیه السلام» در تحلیل ماجرای «ابوالادیان» و شبکه وکالت می‌فرماید:

«**اوج فعالیت تشکیلاتی شیعه از امام رضا علیه السلام به بعد است؛ یعنی امام جواد و امام هادی و امام عسکری علیه السلام… علت اینکه این سه امام در جوانی شهید شدند و از مدینه به عراق آورده شدند، همین بود که تشکیلات شیعه به اوج قدرت خودش رسیده بود. فضیّه ابوالادیان را در منبرها زیاد می‌گویند… ابوالادیان از کجا پول می‌آورد؟ مدائن؛ زیر گوش بغداد و مرکز خلافت بنی‌عبّاس… شیعیان مبالغ زیادی به امام می‌رساندند تا امام به آحاد این تشکیلات عظیم کمک کند…»^۲**

این شبکه عظیم که از بخارا و سمرقند تا سند، سیستان و شمال آفریقا گسترده بود و بستر ورود به عصر غیبت را مهیا ساخت، میوه همان نهالی است که حضرت صدیقه طاهره علیه السلام با خون خویش آبیاری کرد.

کلام پایانی

ه به‌عنوان سؤال پایانی؛ برخی می‌گویند علت بقای دین، فداکاری حضرت اباعبدالله علیه السلام است؛ در این منظومه، نقش حضرت زهرا علیه السلام چگونه ارزیابی می‌شود؟

• همان‌طور که مرحوم علامه عسکری در «نقش ائمه در احیای دین» یادآور شده‌اند، تمام ائمه هدی علیهم السلام در واقع مجاهدان و «شهیدان جهاد تبیین و راه حفظ دین اصیل» هستند. قیام عاشورا نیز تجلی تمام‌عیار جهاد تبیین بود؛ از خطبه‌های مکه و منا تا نطق‌های روشنگرانه حضرت زینب و امام سجاد علیه السلام در کوفه و شام که طومار حاکمیت اموی را پیچید. اگر هر امامی را از مقطع تاریخی خویش حذف کنیم، تداوم شریعت دچار خدشه می‌شد. حرکت عاشورا و کل منظومه امامت، استمرار همان جهادی است که سنگ‌بنای مستحکم آن به دست حضرت فاطمه زهرا علیه السلام کار گذاشته شد.

گفت‌وگو و تنظیم: حمید کرمی

- پی‌نوشت‌ها**

- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۸.
- شیخ صدوق، محمدبن علی، معانی‌الاحیاء، ص ۱۷.
- شیخ صدوق، علل‌الشرائع، ج ۱، ص ۱۷۹؛ همو، الخصال، ص ۴۱۴.
- شیخ طوسی، محمدبن حسن، الغیبه، ص ۲۸۶.
- فیض کاشانی، محسن، نوارالاحیاء، ج ۱، ص ۲۴۰؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.
- خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲، ص ۴.
- رک: واقعی، المغازی، ج ۱، ص ۲۴۹؛ ابن‌هشام، السیره‌النویه، ج ۳، ص ۱۰۶؛ ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۰۰.
- فخر رازی، مفاتیح‌الغیب (التفسیر الکبیر)، ج ۹، ص ۲۱۰.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳.
- عسکری، حسن‌بن علی (منسوب به)، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص ۳۴۰
- فیض کاشانی، محسن، الوافی، ج ۴، ص ۲۵۵.
- تاریخ یعقوبی ج:۲، ص: ۲۵۲، ۲۵۱. مقتل الحسین بن علی.
- یعقوبی، احمدبن ابی‌یعقوب، تاریخ‌الیعقوبی، بیروت: دار صادر، ج ۲، ص ۲۵۲.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۶، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۲:۵۰۴.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۰.
- سیدرضی، محمدبن حسین، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۶؛ طبری، محمدبن جریر، تاریخ‌الأمم والملوک (تاریخ طبری)، ج ۲، ص ۲۱۴؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۳۱، ص ۱۳۸.
- حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل‌الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۴۶ (کتاب‌التجاره، أبواب آداب‌التجاره، ج ۲۲) (متن حدیث: «بَابُ اسْتِخْبَاطِ مُؤَانَسَةِ النَّاسِ عِنْدَ شِدَّةِ ضَرُورَتِهِمْ بِأَنْ يُبَيِّعَ قُوَّةَ النَّفْسِ ثُمَّ يُشِيرَ كُلُّ يَوْمٍ وَيُخْلَطُ الْحِفْظَةُ بِالْعَجِيرِ إِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ…»).
- کُتبی، محمدبن عمر، اختیار‌معرفه‌الرجال، ص: ۱؛ بحارالانوار، ج ۳۴، ص ۲۷۴.
- خامنه‌ای، سیدعلی، هم‌زمان حسین علیه السلام، انتشارات انقلاب اسلامی، ص ۴۸.